

زندگی نامه و آثار آیت...محمد کاظم هزار جریبی استرآبادی



علی قنبریان^۱
علیرضا لیاقتی^۲

چکیده

شیخ محمد کاظم حائری هزار جریبی مازندرانی استرآبادی، از پرکارترین دانشمندان و علما در عرصه تألیف و نگارش در موضوعات متنوع دینی در قرن سیزدهم می باشد که در کتابهای تراجم و زندگینامه علما و در فهرست نگاریهای مربوط به آثار علمی و مکتوبات دانشمندان شیعه، نامش مکرر ذکر گشته است. آثار خطی و سنگی بسیاری در کتابخانه‌ها و مخازن نگهداری دست‌نوشته‌های اصل در داخل و خارج ایران، متعلق به ایشان است. تبیین و بررسی زندگانی و آثار علمی این دانشمند فرهیخته، رسالت نوشتار حاضر است. روش تحقیق کتابخانه‌ای و میدانی^۳ و به صورت توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه: محمد کاظم هزار جریبی، استرآباد، علوم دینی.

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه تهران.

Gharbarian.howzesh@yahoo.com

۲. تراث پژوه، استاد حوزه علمیه قم.

۳. در پژوهش حاضر علاوه بر تحقیق کتابخانه‌ای، جهت گردآوری اطلاعات به تحقیق میدانی (انجام مصاحبه، دیدار حضوری نسخه‌های خطی برجای مانده در کتابخانه‌هایسی همچون ملی، مجلس، و مرعشی) پرداختیم.

مقدمه

تاریخ حوزه‌های علوم دینی شاهد حضور علمای برجسته و محققین خستگی‌ناپذیر و تلاش‌گری بوده است که هر یک در عصر و دوره‌ای از حیات علمی جامعه اسلامی مشعلدار علم و دانش و پیشتاز تحقیق و پژوهش در مقوله‌های مختلف عملی و دینی بوده‌اند. میراث عظیم فرهنگی و آثار مختلف تحقیق در عرصه علوم دینی و دائرةالمعارف‌های گران‌سنگ و ارزشمند فقهی، حدیثی، تفسیری، اعتقادی و ...، ثمره تلاش جهادگرانه عالمان عامل و مجتهدان کاملی است که در اوج عسرت و تنگناهای مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر دوران آنها از این شجره طیبه به بار آمده است. بررسی تاریخ تحقیق و پژوهش در بین علمای دینی و فرازونشیب‌های زندگی علمی و پژوهشی آنان، قطعاً برای طلاب، فضلا و پژوهشگران جوان، که از پشتوانه‌های غنی فرهنگی و توان بهره‌گیری از ابزار و تکنولوژی نوین در امر تحقیقات و مطالعات برخوردارند، مایه دلگرمی و تشویق انجام پژوهش‌های جدی‌تر می‌گردد. بررسی و شناخت تجربیات، متد و شیوه‌های تحقیقاتی عالمان بزرگ سلف، همراه با نقد و بهره‌گیری از سیره آنها و استفاده از دیگر روش‌های نوین پژوهشی می‌تواند موجبات تحول اساسی در امر بررسی‌های دینی عالمان معاصر را در پی داشته باشد. از جمله اندیشمندانی که زندگی سراسر تتبع و تحقیق، روش‌های ابتکاری و آرمان‌های اصلاح‌طلبانه‌اش در امر پژوهش، می‌تواند ثمرات ارزنده‌ای برای جامعه دینی ما به ارمغان آورد، چهره ناشناخته علمی و اخلاقی استرآباد، حضرت آیت‌الله محمدکاظم هزارجریبی می‌باشد.

۱. خاندان

پدر بزرگوار ایشان مولی محمدشفیع مجتهد هزارجریبی مازندرانی استرآبادی می‌باشد که از مراجع و علمای به نام منطقه در زمان فتحعلی شاه قاجار به شمار می‌رفته است.^۴ ملا محمد شفیع استرآبادی خود شخصیتی علمی و مورد احترام بوده تا آنجا که شیخ محمدحسن نجفی صاحب جواهر^۵ از ایشان تجلیل نموده است.^۶ برادر کوچکتر ایشان مولی محمد مهدی استرآبادی نیز از علما و مراجع نامداری بوده که در اواخر عمرش به دعوت برخی از ملوک هند به لکهنو رفت و مرجعیت امور را بر عهده داشته است و در همانجا از دنیا رفته است.^۷

۲. ولادت

در کتاب‌های تراجم‌نویسی در مورد سال ولادت ایشان کلامی ذکر نشده است اما با توجه به شاگردی ایشان در برابر حکیم بیدآبادی متوفای ۱۱۹۷ قمری و شیخ محمد ملائکه برغانی متوفای ۱۲۰۰ قمری و دیگران می‌توان گفت که در نیمه دوم قرن دوازدهم (بعد از سال ۱۱۵۰ قمری) در هزارجریب مازندران یا استرآباد دیده به جهان گشود.

۴. سیدحسن امین، مستدرکات اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۲۷۶.

۵. محمدعلی آزاد کشمیری، نجوم السماء فی تراجم العلماء، ج ۱، ص ۳۸۷.

۶. همان، ج ۱، ص ۴۱۹.

۳. وجه تسمیة (دلیل نام‌گذاری) هزارجریب و حائر

در برخی از کتب، پسوند حائر برای مرحوم محمدکاظم آورده شده است. دلیل آن هم سکونت ایشان در کربلا (محلۀ نقیب) می‌باشد. مقصود از حائر، حرم امام حسین^ع است و علمایی که ساکن در کربلا بودند، کربلایی و یا حائری می‌نامند. اما در مورد پسوند هزارجریب؛ هزارجریبی پسوندی است که تقریباً همگان برای مرحوم محمدکاظم استفاده کرده‌اند و حتی ایشان در مقدمه رساله‌هایی که نگاشته‌اند، خود را هزارجریبی معرفی کرده‌اند.

جریب واحدی از مساحت است که معادل ده هزار متر مربع یا یک هکتار است. جریب در اصل واحدی برای سنجش حجم غلات بوده و مقدارش در مکان‌های مختلف متفاوت بوده و بعداً به‌عنوان اندازهٔ وسعت زمین که یک جریب غله از آن برداشت شود به‌کار رفته است.^۷ از آنجا که ایشان

از آثار در باب شناخت ائمه طاهریین(ع)

و بررسی فضائل و مقامات ایشان

با توجه به آیات و روایات می‌باشد

که به نظر می‌رسد که ضرورت تألیف

چنین کتاب‌هایی به دست آن مرحوم،

حوادث آن دوران و نوعی مبارزه با

گسترش و نفوذ برخی تفکرات

در بین شیعیان بوده است

اصالتاً از منطقۀ هزارجریب مازندران بوده است، لذا به هزارجریبی معروف و مشهور شده است.

۴. دوران تحصیل

از آنجا که پدر ایشان خود عالمی نامدار بوده است، به‌صورت طبیعی باید دروس علمی را در نزد ایشان و دیگر علمای منطقۀ آموخته باشد. پس از مدتی که خود را تشنهٔ معارف بیشتری دید از زادگاه خویش هجرت نمود و به مدرسه علمیه قزوین وارد شد که در آن

روزگار توسط مجتهدی اصولی به نام شیخ محمد ملائکه قزوینی برغانی متوفای ۱۲۰۰ قمری اداره می‌شد و در نزد این عالم بزرگ تحصیل نمود.^۸ مرحوم برغانی از علمایی بوده است که در برابر تفکر اخباری‌گری مقاومت نشان داده و به مبارزه جدی با ایشان پرداخته است و در قزوین صاحب مقام افتاء و کرسی اول تدریس بوده است.

پس از مدتی تصمیم گرفت تا به اصفهان کوچ نموده تا در سلک شاگردان عارف و حکیم نامدار حکیم ملا محمد بیدآبادی متوفای ۱۹۷ قمری درآمد و علوم حکمت و معقول را فرا گرفت.^۹

در نهایت دست به هجرتی بزرگ زد و به حوزه علمیه کربلای معلّاً وارد شده و به مجلس درس استادالکل، آقا باقر وحید بهبهانی متوفای ۱۲۰۵ یا ۱۲۰۶ قمری ملحق شد و در بین شاگردان ایشان قرار گرفت.^{۱۰} در ارتباط با این استاد عظیم‌القدر تا بدان جا

۷. أذر تفضّلی و مهین فضایی، جوان، فرهنگ بزرگان اسلام و ایران؛ به نقل از حمیدرضا میرمحمدی، وقفنامه شش دانگ روستای هزارجریب شهرستان بوئین میان‌دشت، ص ۱۳۴ - ۱۳۵.

۸. سیدحسن امین، مستدرکات آعیان الشیعة، ج ۴، ص ۱۵۹.

۹. همان.

۱۰. محمدحسن آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعة، ج ۱۲، ص ۲۶۵؛ سیدحسن امین، مستدرکات آعیان الشیعة، ج ۴، ص ۱۵۹؛ شیخ جعفر سبحانی، تبریزی، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۶۲۱.

پیش رفت که از حکایت‌هایی که در برخی از کتاب‌هایش از این استاد فقیه و اصولی نقل نموده است، می‌توان به عمق رابطه عاطفی و وابستگی روحی‌اش بدین استاد بزرگ پی برد و حتی بعدها در کنار وحید بهبهانی و دامادش یعنی سیدعلی صاحب ریاض به خاک سپرده شد.

علاوه بر وحید بهبهانی، از افادات بزرگان دیگری از علمای شیعه حاضر در کربلا مانند سیدمحمد مهدی طباطبایی بحرالعلوم متوفای ۱۲۱۲ قمری^{۱۱} و سیدمحمد مهدی شهرستانی متوفای ۱۲۱۶ قمری و سیدعلی طباطبایی صاحب ریاض متوفای ۱۲۳۱ قمری و دیگران نیز بهره‌مند شد.^{۱۲}

۵. مرجعیت

ملا محمد کاظم هزارجریبی پس از بی‌نیازی از تحصیل در همان کربلا و در محله نقیب یعنی جنوب باب‌القبله حرم سیدالشهدا(ع) ساکن شد که در سال ۱۳۶۸ قمری به واسطه احداث خیابانی در اطراف حرم امام حسین(ع) منزل ایشان تخریب شد.^{۱۳} پس از وفات وحید بهبهانی در کربلا مجلس درسی تشکیل داد و پس از اندک زمانی و بعد از سیدعلی صاحب ریاض در همان کربلا و در بین مردم مرجعیت یافت هر چند ایام ریاستش دوامی نیافت و پس از مدت کمی از دنیا رفت.^{۱۴} این مطلب حتی در کلمات کسانی که نسبت به ملا محمد کاظم هزارجریبی نظر خوبی نداشته‌اند نیز منعکس شده است.

زین‌العابدین شیروانی متوفای ۱۲۵۳ قمری که خود از صوفیه بوده و دلِ خوشی از مرحوم هزارجریبی نداشته است در کتاب بستان السیاحه به مرجعیت ایشان اعتراف نموده تا آنجا که می‌نویسد:

«چنانکه مولانا محمد کاظم هزارجریبی ساکن کربلای معلّی بوده و سالها در آنجا امام و مقتدای انام بوده و او را کتابی است در مدّت عرفا در آنجا نوشته».^{۱۵} یا همو در جای دیگر تصریح می‌کند:

«راقم گوید که مولانا محمد کاظم هزارجریبی که سالها در کربلا مجاور و امام جماعت و مقتدای امت بود و خلق را بر لعن فرق ثلاثه ترغیب و تحریر می‌نمود».^{۱۶}

۶. شاگردان

۱. ملا محمد مهدی استرآبادی متوفای ۱۲۵۹ قمری در لکنو. ایشان در کربلا از محضر صاحب ریاض و برادرش ملا محمد کاظم هزارجریبی بهره برد.^{۱۷}
۲. شیخ ابوتراب بن محمد سلیم ساروی مازندرانی که تقریراتی از درس اصول استادش مولی محمد کاظم داشته است.^{۱۸}

۷. در کلام بزرگان

- میرزا حسین محدث نوری صاحب مستدرک الوسائل:

۱۱. کتاب الجدلیه را مرحوم هزارجریبی در باب مناظره سید بحرالعلوم و برخی دانشمندان بهودی نوشته است. محمدحسن آفایزرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۵، ص ۹۰.

۱۲. محمدحسن آفایزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشيعة، ج ۱۲، ص ۳۶۵؛ سیدحسن امین، مستدرکات آعیان الشيعة، ج ۴، ص ۱۵۹؛ شیخ جعفر سبحانی تبریزی، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۶۲۴.

۱۳. سیدحسن امین، مستدرکات آعیان الشيعة، ج ۴، ص ۱۵۹.

۱۴. همان، ج ۴، ص ۱۵۹.

۱۵. زین‌العابدین شیروانی، بستان السیاحه، ص ۴۲۰.

۱۶. همان، ص ۴۶۳.

۱۷. سیدحسن امین، مستدرکات آعیان الشيعة، ج ۶، ص ۳۱۱.

۱۸. جمعی از محققین، موسوعة مؤلفی الامامية، ج ۱، ص ۳۴۲.

• العالم الفاضل الجلیل المولی محمدکاظم هزارجریبی.^{۱۹} ایشان در کتب متعددی مطالبی را از ملا محمدکاظم هزارجریبی نقل نموده و از مقام علمی ایشان تجلیل نموده است.

- شیخ محمدمحسن آقابزرگ تهرانی: العالم الجلیل صاحب التصانیف الکثیره.^{۲۰}
- محمدعلی حبیب‌آبادی: ملا محمدکاظم بن محمدشفیع هزارجریبی که از علما و فقهاء عصر خویش، و در کربلا در محله نقیب ساکن بوده است.^{۲۱}
- سید حسن امین: من أئمة التقليد و الفتوى متبحراً مؤلفاً مكثرأ . . . بعد وفاة استاذه البهبهانی جلس للتدریس و الفتوى و انتهت إليه المرجعية.^{۲۲}
- آیت‌الله العظمی شیخ جعفر سبحانی: محمدکاظم بن محمدشفیع هزارجریبی الحائری، أحد أجلأء الإمامیه ... و اعتنى اعتناء بالغاً بعلوم و معارف أئمة أهل البيت(ع).^{۲۳}

۸. کتاب‌شناسی

هزارجریبی
علاوه بر آنکه
در لابه‌لای آثارش
عرفا و متصوفه را نقد می‌کند،
بلکه برخی از آثارش را
برای همین منظور نگاشته است

مرحوم ملا محمدکاظم هزارجریبی دارای تألیفات زیادی در علوم مختلفی مثل فقه، اصول، تفسیر، حدیث، کلام، تاریخ، هیئت، و دیگر معارف دینی می‌باشند که قریب ۷۰ تألیف برای ایشان در کتب مختلف ذکر کرده‌اند.

آن مرحوم در بین اقران خویش بیشترین توجه را به علم کلام و اعتقادات داشته است و این مهم از بررسی مجموعه کتابهای ایشان به دست می‌آید. بسیاری

از این آثار در باب شناخت ائمه طاهرین(ع) و بررسی فضائل و مقامات ایشان با توجه به آیات و روایات می‌باشد که به نظر می‌رسد که ضرورت تألیف چنین کتاب‌هایی به دست آن مرحوم، حوادث آن دوران و نوعی مبارزه با گسترش و نفوذ برخی تفکرات در بین شیعیان بوده است. بررسی دقیق‌تر این کتب و موضوعات آنها تصویر روشن‌تری از دغدغه فکری ملامحمدکاظم هزارجریبی در آن روزگار به ما می‌دهد.

از سوی دیگر سبک نگارش ایشان کاملاً حدیثی و استدلال‌های ایشان عموماً برگرفته از آیات و روایات اهل‌بیت(ع) و مسلمات اعتقادی شیعه می‌باشد. شاید بتوان ایشان را محدثی متکلم یا متکلمی محدث نامید.

هرچند قلم مرحوم هزارجریبی در این کتابها روان و عموماً خالی از استدلال بوده لیکن این مسأله را نمی‌توان نقصی بر کتابهای ایشان دانست، بلکه در نگارش این‌گونه کتابها، هدف ایشان آگاهی‌بخشی به عموم مردم و ارتقا دادن آنها در معارف دینی بوده است.

۱۹. میرزا حسین محدث نوری، دارالسلام فیما یتعلق بالرؤیا و المنام، ص ۱۶۷.

۲۰. محمدمحسن آقابزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۶۵.

۲۱. محمدعلی حبیب‌آبادی، مکارم الآثار در احوال رجال دوره قاجار، ج ۱، ص ۳۳۲.

۲۲. سیدحسن امین، مستدرکات أئمان الشیعه، ج ۴، ص ۱۵۹.

۲۳. شیخ جعفر سبحانی تبریزی، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۶۲۴.

برخی از آثار تألیفی و ترجمه‌ای مرحوم هزارجریبی عبارت است از:

۱. احتجاجیه؛
۲. آداب العشره؛
۳. آداب نماز یومیه؛
۴. اثبات الصانع و اصول دین؛
۵. افضلیت ائمه از انبیا؛^{۲۴}
۶. افلاکیه؛
۷. اقناعیه؛
۸. برهانیه کوچک؛^{۲۵}
۹. برهانیه (بزرگ)؛
۱۰. تاریخیه فی مقدار اعمار سادات البریه؛
۱۱. تحفه الاخیار؛
۱۲. تحفه المجاور؛
۱۳. تحفه بقیه الله؛
۱۴. تذکره الغافلین؛^{۲۶}
۱۵. تذکره المعاد؛^{۲۷}
۱۶. ترجمه الاعتقادات نوشته علامه مجلسی؛^{۲۸}
۱۷. ترجمه حدیث عنوان بصری؛
۱۸. توحید؛
۱۹. جدلیه؛^{۲۹}
۲۰. جواهر الاخبار و معتقد الاخیار؛
۲۱. چهل حدیث؛
۲۲. خواص القرآن؛
۲۳. در الاخبار؛
۲۴. دعائم الاسلام؛
۲۵. دوازده کلمه از تورات (ترجمه)؛
۲۶. رافعہ التوهم؛
۲۷. روحیه؛
۲۸. سلمانیه؛
۲۹. عدلیه؛
۳۰. فوائد لطیفه؛
۳۱. کاشف العدل؛
۳۲. کنز الفوائد؛
۳۳. گنج الشفاء و رافع الدعاء؛
۳۴. مجمع الفصاح لاریاب القبايح؛
۳۵. محبت نامه الهی؛
۳۶. محک الایمان؛
۳۷. محک النبیین فی شأن امیرالمؤمنین X؛
۳۸. مرشد الصبیان الی تلاوة القرآن؛
۳۹. معراجیه؛
۴۰. مناظره امام صادق X با زندق؛
۴۱. منبه الجهال علی وصف رئیس اهل الضلال؛ (رد بر بعضی صوفیه است)
۴۲. منبه المغرورین در مذمت تصوف و فلسفه و ذکر مشایخ ایشان؛
۴۳. وضو و نماز؛
۴۴. هدایه الغافلین.

۹. فلسفه و عرفان از منظر آیت الله محمدکاظم هزارجریبی استرآبادی

مرحوم هزارجریبی همان‌طور که از برخی آثارش پیداست، عرفا و فلاسفه را چندان قبول نداشته و آن‌ها را نقد می‌کند. زین‌العابدین شیروانی متوفای ۱۲۵۳ قمری که معاصر با هزارجریبی است، در کتاب «بستان‌السیاحه» به مخالفت هزارجریبی با فلسفه و عرفان اشاره کرده است:

«مولانا محمدکاظم هزارجریبی که سال‌ها در کربلا مجاور و امام جماعت و مقتدای امت بود و خلق را بر لعن فرق ثلاثه (اخباری‌ها، عرفا، و متصوفه) ترغیب و تحریم می‌نمود

۲۴. عنوان دیگر: «تفضیل الأئمة علی غیر جدهم من الانبیاء».

۲۵. عنوان دیگر: «البراهین الجلیة فی تفضیل آل محمد علی جمیع البریه».

۲۶. عنوان دیگر: «تنبيه الغافلین» به عربی است و مشتمل بر احوال مرگ، قبر، سؤال، برزخ، قیامت، حوض، صراط، میزان، بهشت، نعیم آن، جهنم، و نکال آن.

۲۷. به عربی است و مشتمل بر احوال مرگ، قبر، سؤال، برزخ، قیامت، حوض، صراط، میزان، بهشت، نعیم آن، جهنم، و نکال آن.

۲۸. کتاب آقا سیدمحمد مهدی طباطبایی بحرالعلوم است و وی استاد هزارجریبی است. در این کتاب احتجاج بر گسره یهود نموده به تورات و ایشان را ملزم گردانیده است. اصل کتاب به عربی است که توسط شاکردان مرحوم بحرالعلوم نگاشته شده است. هزارجریبی رساله استاد را به فارسی ترجمه کرده است.

از کثرت لعن نمودن او بر طوایف ثلاثه بل اربعه که فرقه حکمای اسلام را نیز داخل نموده به کاظم لعنتی شهرت یافته بود. تا کسی مولانا محمدکاظم لعنتی نگفتی او را کسی نشناختی...^{۲۹} در این زمان اهل ایمان را تکفیر می‌کنند و به سعی بسیار مسلمانان را به کفر و زندقه نسبت می‌دهند هرچند آن مسلمان گوید که من مسلمان و از اهل ایمانم قبول نمی‌کنند و اعتنا به کلام آن مسلمان نمی‌نمایند و می‌گویند اصل عدمست تا ثابت شود چنانکه مولانا محمدکاظم هزارجریبی ساکن کربلای معلی بوده و سال‌ها در آنجا امام و مقتدای انام بوده و او را کتابی است در مذمت عرفا. در آنجا نوشته که ما بعون الله تعالی نفی ایمان از ملای روم به دلیل و برهان خواهیم نمود و بعد گفته مراد از ایمان، تصدیق به جنان و اقرار به لسان و عمل به ارکانست و این هر سه حادث و اصل عدم وجود این‌هاست تا ثابت شود وجود آن‌ها. الله الله انصاف دهید که این مرد اصول طراز ایمان براند از چه می‌گوید و سخن را به کجا می‌رساند که در عالم صاحب ایمانی نگذاشت و ایمان و اسلام را از میان برداشت. چنین اشخاص مردم را ترغیب می‌کنند بر آزار فقرا و تحریص می‌نمایند عوام را بر اذیت و مذمت عرفا و امر می‌کنند خلق را که بدّل تلاوت قرآن و ذکر خداوند سبحان در منابر و مجامع و مدارس و جوامع بر جماعت صوفیه و اهل ایمان لعن و طعن نمایند و فتوا می‌دهند بر قتل کسی که هرگز او را ندیده و احوال او را از مردم منصف نشنیده. با آنکه فطرت او به اسلام و شغل او طاعت ملک عالم است.^{۳۰}

هزارجریبی علاوه بر آنکه در لابه‌لای آثارش عرفا و متصوفه را نقد می‌کند، بلکه برخی از آثارش را برای همین منظور نگاشته است:

الف) رساله «منبه الجهال علی وصف رئیس اهل الضلال»: این رساله در بررسی و نقد حافظ شیرازی است؛

ب) رساله «منبه المغرورین»: در نقد فلاسفه و نظریات آن‌ها.

پ) ناشناخته: هزارجریبی رساله‌ای مختصر به فارسی در نقد عرفان و تصوف نگاشته که فاقد عنوان است. تنها نسخه خطی این رساله در کتابخانه ملی ایران به شماره ۳۲۱۴۹-۵ نگه‌داری می‌شود؛

ت) «ارشاد المنصفین و الزام الملحدین»: عنوان این رساله در آثار فهرست‌نویسانی همچون شیخ آقا بزرگ تهرانی آمده است^{۳۱} و هزارجریبی نیز در آثارش از آن یاد می‌کند ولی با تحقیقات میدانی و کتابخانه‌ای که توسط نگارنده انجام شد، هیچ اثری از آن (اعم از کتاب چاپی و یا دست‌نوشته اصل) یافت نشد.

هزارجریبی در رساله «فوائد لطیفه» درباره رساله «ارشاد المنصفین و الزام الملحدین» و دیگر رسائل عرفان‌ستیزانه‌اش چنین گوید:

«و چون این را دانستی بدانکه سخنان کفرآمیز ملای رومی در مثنوی و غیر آن و

۲۹. زین‌العابدین سبزواری، پستان‌السیاحه، ص ۴۶۲-۴۶۳.

۳۰. زین‌العابدین سبزواری، پستان‌السیاحه، ص ۴۲۰.

۳۱. محمدحسین آقا بزرگ تهرانی، طبقات اعلام الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۶۵-۲۶۶؛ محمدحسین آقا بزرگ تهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، ج ۱، ص ۵۲۲.

سخن‌های حافظ که همه تعریف شراب و مو و روی و عشق ایشان است و سخن‌های لغو جامی و نظامی و غیر ایشان [...] که چنین سخن‌ها گفتند، تاویل آن‌ها کردن بیرون [از دین‌داری] است و اگر خواهی که قبایح سخن‌ها و کفر آنها را مطلع گردی، رجوع نما به رساله «منبه الجهال» حقیر که در کفر حافظ نوشتم و رساله «الزام الملحدین» که در کفر ملای رومی و شمس تبریزی و ابراهیم ادهم و سعدی و غیر ایشان نوشتم و اگر زیادتر از این‌ها را خواسته باشی، رجوع کن به رساله «منبه المغرورین» حقیر که احوال بسیاری از این اشقیا را در آن رساله ایراد نمودم و فساد طریقه فلسفه و تصوف را در آن رساله بیان کردم.^{۳۲}

این رساله خوانده لطیفه و جلیله

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و
 صلى الله على خير خلق محمد وآله الطاهرين أما بعد چنین گوید بنده خاطی که
 کاظم بن محمد شفیع هزارجریبی عن غیابته عن جانشینان که این کلمات چند است
 در بعضی از خواندگان فاعله که بفکر فاطر این قاصر رسیده است بتوفیق لایح
 بیروت حضرت رسالت و اهل بیت طاهرین آنحضرت صلوات الله علیه
 و علمه اجمعین و قدر این کلمات را بدان زیرا که این تحقیقیت که نزد
 احدی متعرض آن گردیده باشند و آن بافوائد لطیفه مستمیری است
 و از فضل باریتعالی شانه امید دادم که از تقصیر این فقیر دو کلمات که
 اوست ^{ثالث} صاحب احسان و الله حسبی و هو نعم الوکیل ^{و الله} بخداوند
 سبحانه غنی بالذات است و حکیم است و معنای این سخن آنست که الله
 جل جلاله هیچ گونه احتیاج بغیر ندارد و غیر او همه عالم از آسمان و
 زمین و عرش و کرسی و لوح و قلم و آفتاب و ماه و ستاره کان و ابر و
 باران و هوا و جن و انس و حیوانات و اشجار و نباتات و خاک و
 سایر آنچه بنظر دو می‌آید و آنچه در نظر عینا ید همه مخلوق و آفریده
 اویند و محتاج اویند و بنا بر این تقریر که موافق عقل است کسی که
 در هیچ چیز و هیچ جهت محتاج بغیر نباشد و خلق کردن غیر برای او
 نفعی ندارد و چون دانستی که غنی است از غیر و حکیم است کار عبث
 و بی‌فایده از او صادر نمی‌گردد با این چگونه عالم را ایجاد کرد و فایده
 آن چه چیز است جواب گوئیم که حق عز و جل عالم را آفرید بدو سبب چنانکه

صفحة اول نسخة خطی فواید لطیفه - کتابخانه فیضیه (قم)، ش: ۱۳۳۹/۶

۳۲ - محمد کاظم هزارجریبی، در
 مکتب اسلام: تصحیح رساله فواید
 لطیفه، ص ۱۰۷.

منیر

۱۰. وفات

در مورد چگونگی وفات و سال آن اختلاف بسیاری در کتب مختلف دیده می شود تا آنجا که نظر قطعی در این باب دادن منتفی است. اما سال وفات ایشان ظاهراً با توجه به قرائن موجود، قبل از سال ۱۲۳۸ قمری بوده است اما این که چه سالی بوده است اصلاً روشن نیست ولی با توجه به این که برخی از کتبش را سال ۱۲۳۲ قمری به پایان برده است، می توان گفت در بین سالهای ۱۲۳۲ تا ۱۲۳۸ قمری از دنیا رفته است.^{۳۳} سال وفات ایشان را سال ۱۲۳۴ قمری^{۳۴} و حدود سال ۱۲۳۵ قمری^{۳۵} و سال ۱۲۳۶ قمری^{۳۶} و سال ۱۲۳۷ قمری^{۳۷} ذکر نموده اند.

در مورد نحوه وفات ایشان نیز اختلاف نظرهایی وجود دارد. دو احتمال از بین آنها ذکر می شود: الف) سیدمحمدحسن کلیددار آل طعمه در کتاب مدینه الحسین مدعی شده است که سال ۱۲۳۶ قمری در اثر شیوع بیماری فراگیری در کربلا که ۱۵ هزار نفر را به کام مرگ کشاند بزرگانی از دنیا رفتند از جمله محمدکاظم هزارجریبی.^{۳۸}

ب) آیت الله شیخ جعفر سبحانی در برخی از کتبش در ضمن نام بردن شاگردان وحید بهبهانی از ایشان نام می برند و می نویسند که محمدکاظم هزارجریبی که در سال ۱۲۳۴ قمری در واقعه هجوم وهابی ها به شهادت رسید.^{۳۹}

با توجه به چنین اختلاف زیادی در سال و نحوه وفات ایشان اظهار نظر قطعی در این باب ممکن نیست .

تنها نکته دقیقی که می توان از این کتب استفاده کرد این است که ایشان بنابه شهادت

۳۳. محمدحسن آقازرگ تهرانی، الذریعة إلى تصانیف الشيعة، ج ۱، ص ۴۲۴؛ محمدحسن آقازرگ تهرانی، طبقات اعلام الشيعة، ج ۱۲، ص ۳۶۵.

۳۴. شیخ جعفر سبحانی، أدوار الفقه الإمامی (للسبحانی)، ص ۲۹۴.

۳۵. شیخ جعفر سبحانی تبریزی، موسوعة طبقات الفقهاء، ج ۱۳، ص ۶۲۴؛ شیخ جعفر سبحانی تبریزی، معجم طبقات المتكلمين، ج ۵، ص ۱۷۷.

۳۶. سیدمحمدحسن کلیددار آل طعمه، مدینه الحسین مختصر تاریخ کربلا، ج ۳، ص ۱۶۱.

۳۷. سیدحسن امین، مستدرکات أعيان الشيعة، ج ۴، ص ۱۵۹.

۳۸. سیدمحمدحسن کلیددار آل طعمه، مدینه الحسین مختصر تاریخ کربلا، ج ۳، ص ۱۶۱.

۳۹. شیخ جعفر سبحانی، أدوار الفقه الإمامی (للسبحانی)، ص ۲۹۴.

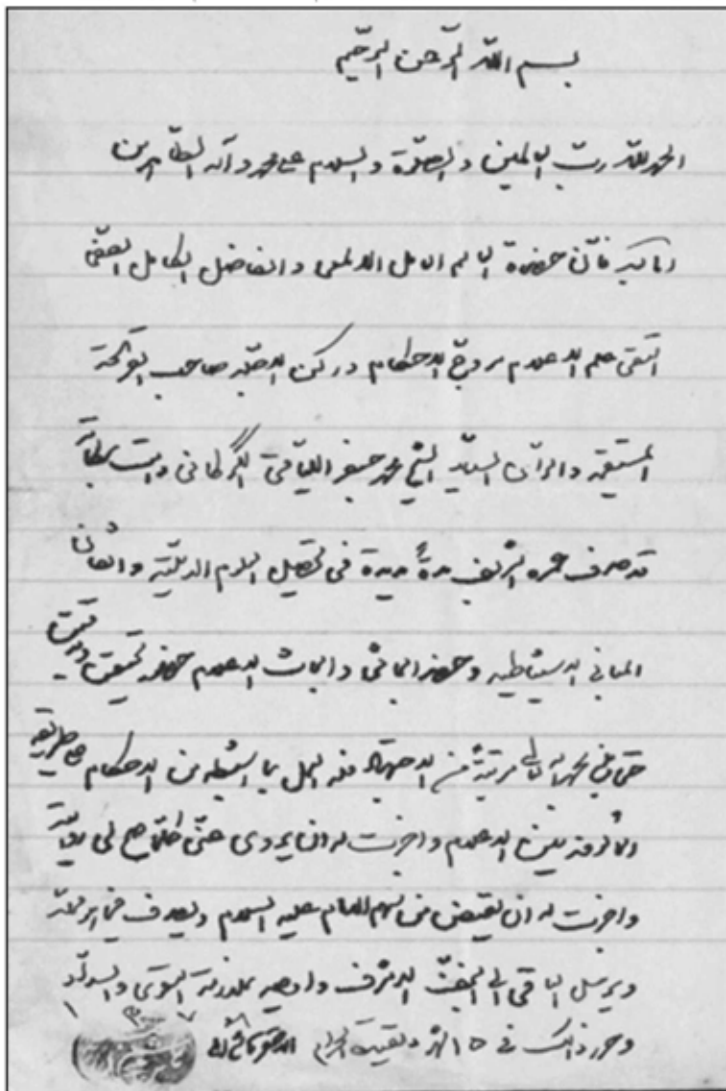


آیت الله حاج شیخ محمدجعفر لیاقتی هزارجریبی و حاج شیخ کبیری کردکویی در سنین جوانی

افراد مطلعی در رواق شرقی حرم حسینی(ع) در صندوقی که دو استادش مرحوم وحید بهبهانی و سیدعلی طباطبایی صاحب ریاض دفن شده‌اند به خاک سپرده شده است.^{۴۰}

۱۱. بازماندگان

برخی از بازماندگان محمدکاظم هزارجریبی در روستای سرکلاته خراب‌شهر (تمیشه) از روستاهای شهرستان کردکوی واقع در استان گلستان ساکن هستند. همچون آیت‌الله محمدجعفر لیاقتی که از نوادگان دختری مرحوم محمدکاظم هزارجریبی است. ایشان



۴۰. محمدحسن آفابزرگ نهراسی، طبقات اعلام الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۶۵؛ محمدحسن آفابزرگ نهراسی، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، ج ۲۱، ص ۱۹۱.

اجازة اجتهاد، اجازة روایت، و اجازة امور حسبیه آیت‌الله شیخ هاشم آملی به آیت‌الله حاج شیخ محمدجعفر لیاقتی هزارجریبی و حاج شیخ کبیری کردکویی در سنین جوانی

فرزند ملا ذبیح‌الله در مهرماه ۱۳۰۱ شمسی در روستای سرکلانته همیشه از توابع شهرستان کردکوی چشم به جهان گشود. از روحانیون فاضل می‌باشد و از چند تن از مراجع و از برخی مراجع (مانند آیت‌الله العظمی حاج شیخ میرزا هاشم آملی لاریجانی) اجازه اجتهاد دارند و از طرف آیت‌الله شاهرودی مقسم شهریه به طلاب استرآباد مقیم نجف اشرف نیز شدند.^{۴۱}

بعد از تعلیم و تعلم دروس حوزوی در گرگان، مشهد، قم، و نجف به مصداق آیه کریمه {وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ}^{۴۲} به موطن خود، روستای سرکلانته خراب‌شهر (همیشه) هجرت کرده و به تعلیم و تربیت مردم پرداخته و همچون پدری مهربان و طبیبی حاذق در رفع مشکلات مردم و عمران و آبادی روستا کوشیده است. از بازماندگان دیگر می‌توان از مرحوم محمدرضا شریعتی که از سیدابوالحسن اصفهانی اجازه اجتهاد داشته است، نام برد. همچنین شیخ محمدباقر شریعتی که در سال ۱۳۹۴ شمسی وفات کرد و ایشان ساکن روستای سرکلانته و همسایه شیخ محمدجعفر لیاقتی بوده است.

نتیجه‌گیری

آیت‌الله محمدکاظم هزارجریبی بحق از دانشمندان فرهیخته و کثیرالآثار خطه مازندران در دوران قاجار بوده است. وی دارای آثار بسیاری از نوع تألیف، ترجمه، و شرح می‌باشد. مکتوبات ایشان در علوم مختلف اسلامی همچون تفسیر، حدیث، عقاید و کلام، نقد عرفان و تصوف، و... است. از آثارش چنین برمی‌آید که اهتمام شدیدی به مسئله امامت و شرح و تفصیل و اثبات آن داشته است. تصحیح و بازخوانی علمی آثار ایشان، جهت گسترش معارف اسلامی و همچنین به دست آوردن منظومه فکری ایشان، لازم و ضروری است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. آزاد کشمیری، محمدعلی، ۱۳۸۷ش، نجوم السماء فی تراجم العلماء، مصحح: هاشم، تهران، نشر سازمان تبلیغات اسلامی: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ج دوم.
۳. آقابزرگ تهرانی، محمدحسن، ۱۴۰۳ق، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، نشر دارالأضواء، ج سوم.
۴. _____، ۱۴۳۰ق، طبقات اعلام الشیعه، بیروت، نشر دار إحياء التراث العربی، ج اول.
۵. امین، سیدحسن، ۱۴۰۸ق، مستدرکات أعیان الشیعه، بیروت، نشر دار التعارف للمطبوعات، ج اول.
۶. تفضلی، آذر و فضایی جوان، مهین، ۱۳۷۲، فرهنگ بزرگان اسلام و ایران، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۷. جمعی از محققین، ۱۴۲۸ق، موسوعه مؤلفی الامامیه، قم، نشر مجمع الفکر الإسلامی، ج اول.
۸. حبیب‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۶۴ش، مکارم الآثار در احوال رجال دوره قاجار، اصفهان، نشر نفائس مخطوطات، ج اول.

۴۱. جعفر فلی کیانی، پیشینه فرهنگی شهرستان کردکوی، ج ۱، ص ۷۸-۷۹، علیرضا الوند، طرین طلب (ویژه‌نامه بزرگداشت مقام دو روحانی برجسته روستای سرکلانته حجج اسلام لیاقتی و شریعتی)، ص ۷.

۴۲. توبه: ۱۲۲:۹.

۹. سبحانی، جعفر، ۱۴۲۴ق، أدوار الفقه الإمامی، قم، نشر مؤسسه امام صادق(ع)، ج اول.
۱۰. _____، ۱۴۲۴ق، معجم طبقات المتکلمین، قم، نشر مؤسسه الإمام الصادق(ع)، ج اول.
۱۱. _____، ۱۴۱۸ق، موسوعه طبقات الفقهاء، قم، نشر مؤسسه الإمام الصادق(ع)، ج اول.
۱۲. شیروانی، زین العابدین، ۱۳۱۵ش، بستان السیاحه، تهران، نشر احمدی (چاپخانه)، ج اول.
۱۳. قلی کیانی، جعفر، ۱۳۸۸، پیشینه فرهنگی شهرستان کردکوی، گرگان، نشر مختومقلی فراغی، چاول. کلیدار آل طعمه، سیدمحمدحسن، ۱۴۳۷ق، مدینه الحسین مختصر تاریخ کربلا، کربلا، نشر مرکز کربلا للدراسات و البحوث، ج اول.
۱۵. نوری، میرزا حسین، ۱۴۱۲ق، دارالسلام فیما يتعلق بالرؤیا و المنام، بیروت، نشر دارالبلاغه، ج دوم.
۱۶. هزارجریبی، محمدکاظم، ۱۳۹۷ش، در مکتب اسلام: تصحیح رساله فواید لطیفه، مصحح و محشی: علی قنبریان، مقدمه: علیرضا لیاقتی، تهران، نشر میراث فرهیختگان، ج اول.